

به راحتی اشتباه خواهید کرد، اگر...

منوچهر نوری

در مسیر منزل به محل کارم، بنزین ماشینم تمام شد؛ درست در یک بزرگراه پررفت و آمد در شهر بزرگ تهران. مسیری که حداقل ۱۰ سال است هر روز از آنجا تردد می‌کنم. بلافاصله به محل کارم زنگ زدم و از دوستان همکارم کمک خواستم. نشانی را دادم و منتظر ماندم تا به یاری ام بیایند. مدتی گذشت، اما خبری نشد. یک بار دیگر ماجرا را مرور کردم. متوجه شدم که نشانی را اشتباه داده‌ام و آن‌ها هم آمده‌اند و طبیعی بود که مرا پیدا نکنند. آن‌ها به محل کار خود برگشته بودند و از آنجا با من تماس گرفتند و قضیه را جویا شدند، اما دیگر خیلی دیر شده بود. حدود یک ساعت و نیم در خیابان منتظر مانده بودم. فکر بهتری به ذهنم رسید. به دوستان قدیمی‌ام در اداره‌ی آموزش و پرورش سابق خودم که با محل استقرارم بسیار نزدیک بودند، زنگ زدم. بیست دقیقه طول نکشید که به یاری ام آمدند و ضمن دیدار مجدد مشکل بنزین ماشینم را حل کردند و من روانه‌ی محل کارم شدم. فکر می‌کنید که علت دو ساعت و نیم تأخیر و معطل ماندن من در خیابان چه بود؟ آن را چگونه تحلیل می‌کنید؟ آیا عوامل زیر را مؤثر می‌دانید؟

- تصمیم سریع در تلفن زدن به محل کار.

- دادن نشانی اشتباه (آن هم از مسیری که ۱۰ سال هر روز از آنجا می‌گذشتم).

- تماس با همکاران قدیمی.

بله، درست فهمیدید: بدون فکر و اندکی تأمل به محل کارم تلفن زدم. اگر قدری فکر می‌کردم، ابتدا به دوستان قدیمی‌ام که به من بسیار نزدیک‌تر بودند، زنگ می‌زدم. به خودم مغرور شدم و نشانی مسیری را که ۱۰ سال روزی دوبار از آنجا می‌گذشتم، اشتباه دادم.

و اینک نکته‌ی درس آموز:

چندان هم به تجربه و اطلاعات خود مغرور نباشید. اگر تدبیر نکنید و حوصله و شکیبایی نداشته باشید، در شرایط و محل‌هایی دست به اشتباه می‌زنید که اصولاً تصور اشتباه کردن هم به ذهنتان خطور نمی‌کند. خوش بختانه من بابت این اشتباه، هزینه‌ی زیادی پرداخت نکردم و توانستم به راحتی آن را جبران کنم. اما اگر در موقعیتی دیگر، بی‌دقتی و تصمیم عجولانه‌ی من یا شما به خسارت‌های سنگینی بینجامد، شاید هرگز خودمان را نبخشیم. در شرایط عادی ذهن‌ها بهتر کار می‌کنند و تصمیمات عاقلانه‌تری می‌گیریم. مهم آن است که هنگام اضطرار و بروز مشکل، عاقلانه همراه با تدبیر تصمیم بگیریم.

